



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شرح دعای نهم صحیفه سجادیه

شوق به توبه / خشنودی پروردگار

محقق و نویسنده: فاطمه پورشفیغ

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

پاییز: سال ۹۶

تقدیم به پیشگاه مطهر معصومین علیه السلام

مقدمه:

ای انسان در زندگی دنیا به هیچ وجه احساس ضعف نکن. مهارت کسب کن- تلاش کن- خود را از بی ارزشی نجات ده و با دوری از نافرمانی الهی، محبت خدا را در دل پرورش بده و از تواناییهای خود برای بزرگداشت شعائر اسلامی استفاده کن. ای انسان مرض پنهان نفاق یار گیری می کند مراقب باش در دام این حيله خاموش نیافتی - ای انسان می دانی مرکز این نفاق و دورویی کجاست ؟ فضای مجازی ؛!

ای انسان بذر سعادت و شقاوت در پهنه زمین گسترده است ؛ اما کدام مسیر به نفع بشر است؟ کدام مسیر سود دهی بیشتری دارد ؟ کدام مسیر دین و دنیا را در کنار یکدیگر قرار می دهد تا حرکت بشر در مسیر رضایت الهی به سازندگی برسد!

ای انسان با انتخاب صحیح در مسیر زندگی دنیا و انجام کار پسندیده در آن ، طالب دیدار معشوق باش که این دیدار در آخرت مزیتی دارد، مزیتی که انسان را در ردیف صالحان محشور می کند. پس رابطه دنیا و دین رابطه ای بس عمیق و پر معناست که حاصل آن می تواند، چالشهای تربیتی و اخلاقی و اجتماعی و فرهنگی را بر طرف سازد و انسان را از مسیر شقاوت و بدبختی جدا کرده و به سمت سعادت و نیک بختی بکشاند .

والسلام علی من اتبع الهدی

شرح دعای نهم صحیفه سجادیه ؛ معرفی موضوعات:

۱. شوق به توبه و رسیدن به سر منزل خشنودی پروردگار.
۲. وجود دو کاستی، دین و دنیا!
۳. دنیای زودگذر
۴. حفظ و بقاء دین
۵. اثرات توبه در حفظ دین
۶. رضای الهی به توبه در دنیا
۷. خشمگینی پروردگار نسبت به دنیا دوستی
۸. نفوس و قدرت اختیار آن
۹. توفیق الهی برای خوبان و رحمانیت پروردگار- و سلب توفیق برای بدکاران
۱۰. اشارات و دلائل انسانی برای کاستی و سستی و تنبلی (وهن) خود در دنیا:
الف: انسان ضعیف آفریده شده
ب: انسان مهارت گریز است .
پ: انسان از آبی بی ارزش خلق شده.
ت: جبر الهی بدون اختیار انسان (حرف باطل) -توان انسان با نیروی الهی (بحث اختیار و توفیق) -واگذاری خود به خدا نه غیر برای فرار از نفس اماره بسوء -
۱۱: انسان و انتظار توأم با تلاش برای رسیدن به تأیید الهی
۱۲: درک محبت الهی و دوری از نافرمانی الهی
۱۳: آنچه موجب ثواب است خدایا بر دلها و اعضا و جوارح ما جاری ساز و آنچه مورد عقاب است از ما دور گردان.

متن دعای نهم :

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِشْتِيَاقِ إِلَى طَلَبِ الْمَغْفِرَةِ مِنَ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ صَيِّرْنَا إِلَى مَحْبُوبِكَ مِنَ التَّوْبَةِ، وَ أزلْنَا عَنْ مَكْرُوهِكَ مِنَ الْإِصْرَارِ

اللَّهُمَّ وَ مَتَى وَقَفْنَا بَيْنَ نَفْسَيْنِ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا، فَأَوْقِعِ النَّفْسَ بِأَسْرَعِهِمَا فَنَاءً، وَ اجْعَلِ التَّوْبَةَ فِي أَطْوَلِهِمَا بَقَاءً وَ إِذَا هَمَمْنَا بِهَمِّينِ يُرْضِيكَ أَحَدُهُمَا عَنَّا، وَ يُسْخِطُكَ الْآخَرَ عَلَيْنَا، فَمِلْ بِنَا إِلَى مَا يُرْضِيكَ عَنَّا، وَ أُوهِنْ قُوَّتَنَا عَمَّا يُسْخِطُكَ عَلَيْنَا وَ لَا تُخَلِّ فِي ذَلِكَ بَيْنَ نَفْسِنَا وَ اخْتِيَارِهَا، فَإِنَّهَا مُخْتَارَةٌ لِلْبَاطِلِ إِلَّا مَا وَفَّقْتَ، أَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمْتَ

اللَّهُمَّ وَ إِنَّكَ مِنَ الضُّعْفِ خَلَقْتَنَا، وَ عَلَى الْوَهْنِ بَنَيْتَنَا، وَ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ ابْتَدَأْتَنَا، فَلَا حَوْلَ لَنَا إِلَّا بِقُوَّتِكَ، وَ لَا قُوَّةَ لَنَا إِلَّا بِعَوْنِكَ فَأَيِّدْنَا بِتَوْفِيقِكَ، وَ سَدِّدْنَا بِتَسْدِيدِكَ، وَ أَعْمِ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا عَمَّا خَالَفَ مَحَبَّتَكَ، وَ لَا تَجْعَلْ لِشَيْءٍ مِنْ جَوَارِحِنَا نُفُوداً فِي مَعْصِيَتِكَ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْ هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا، وَ حَرَكَاتِ أَعْضَائِنَا وَ لَمَحَاتِ أَعْيُنِنَا، وَ لَهَجَاتِ أَلْسِنَتِنَا فِي مُوجِبَاتِ تَوَابِكَ حَتَّى لَا نَفُوتَنَا حَسَنَةً نَسْتَحِقُّ بِهَا جَزَاءَكَ، وَ لَا تَبْقَى لَنَا سَيِّئَةٌ نَسْتَوْجِبُ بِهَا عِقَابَكَ

ترجمه دعای نهم

نیایش آن حضرت در اشتیاق به آمرزش

خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را به سوی توبه‌ای که پسندِ توست برگردان، و از پا فشاری بر آنچه نمی‌پسندی به دور دار

خدایا، آن جا که به ناچار یا دینِ ما کاستی می‌گیرد یا دنیای ما، کاستی را در آن قرار ده که زودگذر است، و بازگشت ما را به سوی آن که پایدارتر است

و هرگاه آهنگ دو کار کرده باشیم که یکی خشنودی تو را به همراه دارد و دیگری به خشم می‌آورد، ما را به آن کار که خشنودی تو در آن است گرایش ده، و نیروی ما را در انجام دادن آنچه سبب خشم توست، ناتوان گردان و در این کارها، نفس‌های ما را به اختیارمان وامگذار؛ زیرا نفس، اگر توفیق تو نباشد، باطل را بر می‌گزیند، و اگر رحمت تو او را در نیابد، به بدی فرمان می‌دهد خدایا، تو ما را از ناتوانی آفریده‌ای و بنیاد ما را بر سستی نهاده‌ای، و از آبی پست و بی‌مقدار، هستی ما را آغاز کرده‌ای. اینک ما را هیچ جنبشی نیست مگر به نیروی تو، و هیچ نیرویی نیست مگر به یاری کردن تو پس ما را به توفیق خود مدد فرما، و به راه راست خود استواری ده، و چشم دل‌های ما را از دیدن آنچه دوست نمی‌داری کور گردان، و چنان کن که نافرمانی تو به هیچ یک از جوارح ما راه نیابد خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و چنان که رازهای دل ما و جنبش‌های اندام ما و نگرستن‌های چشم ما و گفتارهای زبان ما وسیله‌ی دریافت ثواب تو باشند، تا هیچ کار نیکی که شایسته‌ی پاداش توست، از دست ما نرود، و هیچ کار زشتی که عقوبت تو را در پی دارد، روی دست ما نماند .

شرح دعا:

شوق به توبه:

در این قسمت صحبت از شوق است شوق به توبه ، و قبل از هرچیز باید طینت انسان را بررسی کنیم و این طینت را بشناسیم و درراه تربیت این طینت کوشید تا محبت الهی در دلها زنده شود و باقی ماند .

شناخت طینت انسان و کافر:

امام صادق (ع) "در اصول کافی ج۳" می فرماید: همانا خداوند عزوجل مؤمن را از طینت بهشتی آفرید و کافر را از طینت دوزخی. و فرمود: چون خداوند عزوجل نسبت به بنده ای خیر بخواهد ، روح و پیکرش را پاک سازد (هدایت و الطافش را شامل حال او نماید) از این رو هر خیری شنود ، آنرا بشناسد و بفهمد و هر بد و زشتی شنود آنرا زشت بیند. (اصول کافی ج۳ ص۲ ترجمه ح۱۴۴۱)

امام صادق(ع) طینت ها را بر چند قسم تقسم می کند:

۱. طینت پیامبران، که مؤمن هم از این طینت است ، جز اینکه پیامبران از خالص و برگزیده آن طینت اند و ایشان اصل باشند و فضیلت‌های آنان محفوظ است و مؤمنین فرع باشند (طینت مؤمن چسبیده به طینت پیامبران) واز گل ثابت و چسبیده (طین لازبی) تا این دو طینت از هم جدا نمانند.
۲. طینت ناصبی: از گل سیاه و بد بو (من حما مسنون)
۳. طینت مستضعفین که از خاک است (من تراب) یعنی قابلیت پذیرش اشکال مختلف را دارد ، گل نیست تا مانند مؤمن و کافر بطرفی چسبندگی داشته باشند. مؤمن از ایمانش دگرگون نمی شود و ناصبی از دشمنی خود دگرگون نمی شود و امر مستضعفین مربوط به خداست و مشیّت خداست که بجانب ایمان یا کفر میگرداند. (همان)

ابن کیسان از امام صادق (ع) سؤال می کند:

چرا وقتی مؤمنی را می بینی ؛ او بد اخلاق و در امانت بی توجه و در معاشرت ناپاک است؟
چرا وقتی ناصبی را می بینم که با شما دشمن است ولی صاحب حسن خلق و امانتدار و خوشرفتار است؟

امام پاسخ داد: مگر نمی دانی که خداوند گلی از بهشت گرفت و گلی از دوزخ ، سپس آن دو را بهم آمیخت آنگاه این را از آن و آنرا از این جدا ساخت. یعنی وقتی این دو گل بیکدیگر تماس پیدا کردند، آنها را ازهم جدا ساخت . مؤمنان را ازگل بهشت و کفار را از گل دوزخ آفرید ؛ پس آنچه از حسن خلق و خوشرفتاری در دشمنان ما می بینی از جهت تماس آنها با طینت بهشتی (پیش از جدا شدن آنها از یکدیگر) و ایشان عاقبت به اصل خلقت خود بر گردند و یکسره دوزخی شدند. و آنچه از بی امانتی و بد خلقی و آلودگی در دوستان ما می بینی در اثر تماس آنها با طینت دوزخی و بالاخره به اصل خلقت خود بر می گردند و یکسره بهشتی شوند.

خداوند دو چیز را بر پا داشته است یکی وادارنده و دومی بازدارنده ؛ اولی تو را به بدی می کشاند که همان نفس است و دومی از بدی باز می دارد که همان نماز است.

می گویند : یکی از پیام آوران به درگاه خدا راز و نیاز کرده و گفت : چگونه به تو برسم و خداوند وحی نمود: از خودت بگذر رو به سوی من بیا.(کشکول شیخ بهائی)وقتی انسان از خود بگذرد و متوجه خطاهای انجام گرفته در دنیا بشود نیاز درونی به طلب مغفرت از خداوند او را رها نمی کند تا در این وادی درست و صحیح وارد شود و خود را از بحرانهای سرگردانی نجات دهد.

اشتیاق و شوق در رسیدن به فضائل الهی:

۱. شوق پرواز در مسیر خدا و متمسک شدن به رسول خدا(ص) و اهل بیت(ع)- و بوسه زدن به درگاهشان از فضائل است.
۲. انسان مشتاق به توبه و رسیدن به کمال انسانی ، از محرّمات و مکروهات الهی چشم می پوشد.
۳. انسان مشتاق و متمایل به دین به امید اینکه پادزهر دارد زهر نمی خورد.
۴. انسان مشتاق بسوی جلب حُب الهی ، آشکارا به شیطان نفرین نمی فرستد و در نهان به او متمایل نمی شود.
۵. در کسب محبّت الهی و رسیدن به شوق وصل به پروردگار؛ نباید درجا زد.
۶. انسان مشتاق به دریافت نور الهی ، طاقت بی اعتنایی و پشت کردن به معشوق را ندارد پس در انجام تکالیف کوشا است.

شوق و اشتیاق ،حالتی روحی و جسمی در انسان و حیوان است . ولی در انسان، بهترین شوق ،شوق دیدار حق است که مسیر صحیح اش رفته رفته به عشق تبدیل می شود عشقی که دردها را دوا ، رازها را پنهان ، آرزوها را کوتاه ، طمع را کم ، شادی را مختص توجهات الهی ، و گریه را برای فرار از ناامیدی و توبه را برای رسیدن به آخرت قرار می دهد.

ای انسان ! ای فرزند آدم ! تو در اسارت دنیا گرفتاری و به خوشیهای آن رضایت داری که گذراست و نعمتهایی که همیشگی نیست و به قدرتی دلبسته شدی که نمی ماند پس از اصرار بر آنچه که ناپسند است دوری کن.

۲- دین و دنیا در عالم بشریت- وجود دو کاستی (دنیای زود گذر- حفظ و بقاء دین)

از منظر دین ، دنیا مقدمه آخرت است ، پس ارزش واقعی از آن آخرت است و دنیا وسیله است ؛ و دین رابطه دنیا و آخرت را معقول می سازد.

دین در لغت یعنی ، انقیاد ، حساب و جزا – تسلیم- فرمان بری(مصطفوی- حسن- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم ج۳)

دنیا از ریشه "دنو" است به معنای قُرب "نزدیکی" که نسبت بین دو شیء سنجیده می شود. (ابن فارس، ملجم مقاییس اللغة - چاپ مصر)

با بررسی موارد کاربرد این واژه روشن می شود که معنای اصلی دنیا، قُرب به سوی پستی و انحطاط مادی یا معنوی است، پس زندگی دنیا یعنی زندگی پست – محدود و مادی می باشد که نسبت به مانزدیک است. (مصطفوی- حسن- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم ج۳- اینترنت)

"صبغة الله و من أحسن من الله صبغة" رنگ آمیزی خدا ، بهترین رنگ ، کیست که رنگ آمیزی اش از خدا بهتر باشد. اسلام! رنگ آمیزی خدا و بهترین رنگ آمیزی. شأن نزول این آیه این است ؛ نصاری فرزندان خود را در آب زرد رنگی که انرا عمودیه می نامیدند ، شستشو می دادند و عقیده داشتند که فرزندان بدین وسیله رنگ نصرانیت می گیرد و پاک می شود. خدای تعالی می فرماید: رنگ آمیزی خدا اسلام است نه نصرانیت –

آنچه باید دانست اینکه ایمان برتر از اسلام است- ایمان شریک اسلام است ولی اسلام شریک ایمان نیست. اما دنیا محلّ توشه آخرت است و این توشه همان ایمان موجود در اسلام که همان دین است.

بزرگی گفته است: من با دنیا کاری ندارم چرا که اگر من بمانم او با من نخواهد بود و اگر او ماندگار باشد من با او نمی مانم(کشکول شیخ بهائی)حکیمی گفت: اگر می خواهی قیمت دنیا را بدانی نظاره کن و ببین که در دست کیست.(همان)

ای خدای مهربان! من بین دنیا و دین دچار خسران شده ام! چون نمی توانم بین دنیا و دین ارتباط بر قرار سازم! شتاب عمر و کوتاهی زمان زیستن در دنیا و ضعف مدیریت من در برنامه های زندگی ، همه و همه دست در دست یکدیگر نهاده اند و مرا دچار خسران ساخته اند، با اینحال آموزه تو را که توبه است فراموش نمی کنم ، و با این هدف ، برگهای اشتیاق به توبه را در وجودم

، زنده وبا طراوت نگه می دارم تا تقصیر و گناه مرا که ناشی از کوتاهی و غفلت در دنیا ست ، پذیرد و این توبه را در آن قسمتی قرار بدهی که طولانی تر است یعنی دین-نه برای دنیایی که زودگذر است و هر روز به رنگی در می آید.

رابطه دین و دنیا:

در اسلام دین و دنیا با هم در ارتباط است و اکثر مفسرین به این موضوع اشاره دارند. آنچه مهم است اینکه حرکت انسان در دنیا باید در قلمرو دین باشد تا مدال حریت و آزادی بر سینه انسانی آویخته شود. رابطه دین و دنیا برای خداوند آنقدر مهم است که بعثت انبیاء و تشریح دین برای هدایت و ارشاد آدمیان در نظام زندگی مادی جریان یافت.

در دعا می فرماید: خدایا آهنگ من هم دنیا و هم دین است که یکی از آنها موجب رضایت توست و دیگری خشمگین شدن توست ولی میل من به آن چیزی است که تو را خشنود می سازد. در باره رابطه دین و دنیا اختلاف شدیدی وجود دارد برخی بر این باورند که قلمرو دین، دنیا و آخرت است، علاوه بر اصلاح آخرت، در سامان بخشی دنیا نیز باید دین معیار و مرجع اصلی باشد. در مقابل گروهی ، هدف و کارکرد دین را منحصرأ توجه دادن انسان به مبدأ . معاد می داند ، بر اساس این دیدگاه برنامه های دینی محدود به امور عبادی و فردی است ، سیاست ، اقتصاد و دیگر امور اجتماعی از قلمرو دین خارج است.

در مجموع آثار ایت الله مطهری(ره) نوشته شده است: ادیان گذشته همه را از دنیا ترسانده اند که دنیا محلّ لهو و لعب است - ولی در آیات قرآن مشاهده می کنیم که خود دین ما را به استفاده از دنیا و عدم ترک آن دعوت می کند. "لاتنس نصیبک من الدنیا" (قصص/۷۷) بهره دنیویت را فراموش نکن. پس آنچه باید دانست اینکه:

دنیا مزرعه آخرت است و این مزرعه زراعتی دارد که آخرت محلّ ظهور کامل و فصل برداشت همه زراعت است.

دنیا محلّ وصول به کمالات است و هدف اصلی دین ، سعادت معنوی و کمال حقیقی انسان است.

نتایج بررسی آیات قرآن کریم در رابطه با دین و دنیا:

۱. تأثیر ایمان (ایمان موجود در دنیا) و پرهیزگاری در افزایش نعمت الهی(اعراف /۹۶) و لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ

۲. تأثیر نا فرمانی خدا در نزول عذاب الهی
وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا
تَدْمِيرًا (اسراء/۱۶)

۳. گسترش فساد در اثر رفتار انسانها "ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ
لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ" (روم/۴۱)

۴. گرفتاریها نتیجه رفتار خود انسانهاست. "وَ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ
يَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ (شوری/۳۰)

۵. دنیا داری کافران و فقر مؤمنان-

قرآن می فرماید: مبدا کافران گمان کنند مهلت ما به سود آنان است برای آنان خیری در پیش
دهیم تا بر گناه خود بیافزایند و سرانجام عذابی دردناک و خوار کننده دارد. ما به آنان مهلت می
در پیش دارند: «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُثَمِّلِي لَهُمْ خَيْرًا لَأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُثَمِّلِي لَهُمْ لِيَزِدُوا بُرْءًا
وَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ» آل عمران/ ۱۷۸

آیا کافران در این دنیا راحت هستند؟. باید دانست که آسایش و آرامش روانی و خانوادگی ،
اجتماعی در دنیا ، فقط شامل خوراک و مسکن و لذت‌های دنیایی نیست -اگر مؤمنان مشکلاتی
دارند کافران نیز صاحب مشکلات هستند- دیگر اینکه سنت الهی آزمایش بندگان"کافر با مسلمان
و مسلمان با کافر"است. آزمایش بندگان شامل زودن گناه و بیرون آوردن آنها از غفلت و غرور نیز
می باشد.

دین و دنیا از نظر آیت الله مطهری(ره):

آیا حالا که آخرتی در پیش روی است باید به آخرت چسبیده و دنیا را رها کرد؟!

آیا در منطق دین ، دنیا تحریم و ممنوع شده است؟

آیا درست است که انسان عابد و زاهد شود و دست از همه چیز بشوید و به انتظار آخرت روزگار
را سپری کند؟

اساساً دنیا را رها کردن و به آخرت چسبیدن ، به اینکه انسان خودش را از همه چیز جدا کند و
اصول زندگی را بهم بریزد معنا ندارد. زیرا اگر زندگی و معاشرت نباشد ، عمل آخرتی وجود ندارد ،
اگر مزرعه ای نباشد تخمی نمی شود پاشید .

در آیات زیادی تصریح میکند که خداوند نعمت‌های زمین را برای شما آفریده. موادی تحریم شده
که مضر و زیان‌آور بوده (مثل شراب و گوشت خوک مثلا)، یا اعمالی تحریم شده که برخلاف
مصلحت انسانی و مانع رسیدن انسان به کمالات فردی و اجتماعی است (مثل دروغ و ریا و زنا و
ظلم)، یا از بعضی صفات مذمت و منع شده که مظهر پستی و دنائت روح آدمی است (مثل

حرص و طمع و حسد و کینه و امثال اینها). ممنوعات در دین مشخص است و هر عقلی هم حکم میکند که این امور باید ممنوع باشد.

امور ممنوع در دنیا و به تعبیر دیگر دنیای مذموم و ممنوع، همین امور است. به علاوه چگونه ممکن است خداوند متعال بشر را با جهازاتی مخصوص بدنی و روحی بیافریند و به او انواع غرایز و عواطف و تمایلات بدهد که معلوم است هر یک از این جهازات هدفی دارد و حکمتی دارد، و از طرف دیگر یک سلسله نعمت‌ها متناسب با این جهازات خلق کند که معلوم است این افراد برای این نعمت‌ها و این نعمت‌ها برای این افراد آفریده شده‌اند، و آن وقت او را از به کار انداختن این جهازات و از استفاده از این نعمت‌ها به کلی ممنوع سازد؟

در حدیث است که مردی بر یکی از ائمه علیهم‌السلام وارد شد، مقداری رطب در جلو آن امام بود و تناول میکرد، به آن شخص تعارف کرد، آن مرد از خوردن امتناع کرد، امام اصرار فرمود، باز هم حاضر نشد. فرمود: «چرا نمی‌خوری؟» گفت: «معذورم، آخر مگر نه این است که خداوند در قرآن مفرماید: ثم لتسئلنَّ یومئذ عن النعیم: ۲ در قیامت از شما درباره نعمت‌ها سؤال میشود؟» حضرت فرمود: عجب اشتباهی و عجب تفسیر غلطی از قرآن کردی! آیه مگوید که در قیامت از شما درباره شکر نعمت‌ها سؤال میشود که آیا شکر کردید یا نه؛ یعنی آیا هر نعمتی را در همان مورد و برای همان مصرفی که آفریده شده، مورد استفاده قرار دادید یا آنکه آن نعمت را بفریاد و بی مصرف گذاشتید و یا در غیر مورد مفید مصرف کردید؟ از شما سؤال میشود درباره ائمه‌تان که آیا از وجود آنها بهره بردید یا نبردید؟

بعد فرمود: «اگر یک آدم کریم شخص دیگری را به خانه خود دعوت کند و سفره‌ای رنگین برای او بیندازد، آیا ممکن است بعد از مدتی او را مورد عتاب قرار دهد که چرا از سفره من استفاده کردی؟» گفت: نه. فرمود: «خدا که اکرم‌الاکرمین است. چگونه ممکن است مخلوقات خود را از این امور مورد سؤال و تعقیب قرار دهد، در صورتی که خودش آنها را بر این سفره عام دعوت کرده است.» این جهازات بدنی و این غرایز و عواطف و تمایلات روحی، دعوت‌ها و هدایت‌های خلقت است به سوی همین نعمت‌ها. چیزی که هست، این است که بر سر این سفره همه باید استفاده کنند: «و الأرض وضعها للأنام»، (الرحمن/۱۰) «و لقد مکتاکم فی الأرض و جعلنا لکم فیها معایش قلیلا ما تشکرون» (اعراف/۱۰). همه باید از این سفره استفاده کنند، یک نفر یا چند نفر حق ندارند این سفره را به خودشان اختصاص دهند و دیگران را محروم کنند، قانون و مقرراتی برای استفاده از این سفره عمومی وضع شده که همه باید رعایت کنند، حدودی و حقوقی معین شده که همه باید محترم بشمارند، هرج و مرج نباید بشود. خداوند متعال مقررات شدیدی معین کرده برای اینکه همه به حقشان برسند، ظلم و تجاوزی از کسی به حق کسی دیگر واقع نشود.

اثرات توبه در حفظ دین:

الف: "سابقوا الى مغفرة من ربكم و جنة عرضها كعرض السماء و الارض أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ..(حديد/۲۱) السابقون السابقون اولئك المقربون..(واقعه/۱۰)

مژده پروردگار به بندگانش ، اینکه اگر انسانها برای حفظ دین خود در دنیا توبه کنند و در توبه سبقت بگیرند ، بخاطر پروردگارشان ، بهشتی را خداوند وعده داده که پهنای آن آسمان و زمین است برای کسانی که مؤمن هستند.

ب: توبه گناهان را محو می کند. (تحریم/۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

ای مؤمنان، به درگاه خدا توبه نصوح (با خلوص و دوام) کنید، باشد که پروردگارتان گناهانتان را مستور گرداند و شما را در باغهای بهشتی که زیر درختانش نهرها جاری است داخل کند در آن روزی که خدا پیغمبر خود و گرویدگان به او را ذلیل نسازد (بلکه عزیز و سرفراز ابد گرداند، در آن روز) نور (ایمان و عبادت) آنها در پیش رو و سمت راست ایشان می‌رود (و راه بهشتشان می‌نماید) و در آن حال (به شوق و نشاط) گویند: پروردگارا، تو نور ما را به حد کمال رسان و ما را (به لطف و کرم خود) ببخش که البته تو بر هر چیز توانایی .

پ: برکات زمین و آسمان را نازل می کند (نوح/۱۰ الی ۱۲) فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا .

ت: توبه پوششی برای گناهان و تبدیل سیئات به حسنات(فرقان/۷۰)
إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

ج: اثرات توبه برای انسان و عنایت و محبت پروردگار که حاملان عرش الهی نیر برای او استغفار می کنند.

تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ ۗ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ ۗ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.(شوری/۵)

چ: اثرات توبه علاوه بر حفظ دین ، اجتماع را از نا ملایقات حفظ می کند.

گناهان بندگان؛ کمبود میوه ها و ثمرات، بسته شدن در گنج های خیرات و برکات و نیاریدن باران و نزولات آسمانی را به دنبال دارد. اما در مقابل، توبه از گناه موجب باریدن رحمت الهی از آسمان و افزون شدن نعمات و برکات خداوند مهربان می گردد و سبب رهیدن جامعه از نظر

خشکسالی و فقر و تنگدستی می شود . امام علی در این باره می فرمایند: «التوبه تستنزل الرحمه» توبه موجب نزول رحمت می شود.(غررالحکم - ح ۳۵۳۶؛ ص ۱۹۵)

نفوس اختیار:

نفوس انسان در مقابل دو راه قرار دارد یکی راه خیر و دیگری راه شر "هدیناه النجدین - بلد ۱۱)"
" انا هدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفوراً" (هل أتى / ۴)
دلایل عقلی و نقلی ، اصل اختیار را برای انسان ثابت می کند. بر این اساس ، اعتقاد به جبر در افعال باطل است.

در تفسیر اختیار سه دیدگاه مطرح است:

۱- دیدگاه تفویض

۲- دیدگاه کسب

۳- دیدگاه امر بین الامرین

الف: دیدگاه تفویض نوعی ثنوی گرایی است و با اصل توحید در خالقیت و تدبیر منافات دارد (اسفار ج ۶ ص ۳۷۰)

دیدگاه تفویض این است که فعل اختیاری انسان فقط توسط او پدید می آید و مخلوق خداوند نیست. یعنی خداوند انسان را آفرید و به او قدرت انجام فعل را عطا کرده ولی در انجام یا ترک فعل او دخالتی ندارد، یعنی فعل انسان از نظر تکوینی به خود او واگذار شده است. (شرح اصول الخمسه ص ۲۳۶)

ب: اکثر متکلمان اشعری بر این عقیده اند که افعال انسان فقط به قدرت خداوند تحقق می یابد و قدرت و اختیار انسان در تحقق افعال او هیچ گونه تأثیری ندارد. (شرح المواقف ج ۸ ص ۱۴۶)

پ: نظریه امر بین الامرین (لا جبر و لا تفویض)

دو نظریه قبل تفویض و کسب را در رابطه با تفسیر و توجیه اصل اختیار نمی توان پذیرفت . زیرا نظریه تفویض با توجیه در خالقیت و عمومیت قدرت و مالکیت مطلقه الهی منافات دارد و نظریه کسب نیز با جبر گرایی جز در تعبیر و اصطلاح ، تفاوتی ندارد، و در نتیجه با اصل عدل الهی و تکلیف و توابع آن ناسازگار است.

نظریه امر بین الامرین از طرف اهل بیت مطرح گردیده است و مورد قبول متکلمان امامیه و نیز حکمای اسلامی قرار گرفته است. این دیدگاه اینکه هم انسان مالک فعل خویش و قادر بر آن است و هم فعل او مملوک خدا و مقدر الهی است و این دو در طول یکدیگرند نه در عرض یکدیگر تا تعارض و تراحم آنها لازم آید. (توحید صدوق - باب نفی الجبر و التفویض - روایت ۷)

توفیق الهی و رحمانیت پروردگار برای خوبان و سلب توفیق برای بدکاران:

نزدیکی به خداوند و توفیق الهی ؛ خداوند به یکی از پیامبران(خوبان) خود این چنین خطاب کرد: دل! دل! سر به پیروی از من فرود آر و به نفس متواضع باش و چشم گریان داشته باش و سپس مرا بخوان که به تو نزدیک هستم(کشکول شیخ بهائی- ص ۳۴۰- مترجم مهدی صباغی)

سلب توفیق برای بدکاران:

باید از قدرت و اختیار خود خوب و درست در راه رضای خدا استفاده کنیم . عقاب در میان گناهان مخفی است و معلوم نیست که انسان برای کدام گناه در دنیا و آخرت عقاب می شود. "یعفوا عن کثیر" (مائده/۱۵)

یا من یقبل الیسیر و یعفو عن الکثیر ءقبل منی الیسیر و اعف علی الکثیر اُتک أنت العفو الغفور"

ذکری که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به جوان در حال مرگ آموخت:

به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خبر دادند که جوانی از مسلمانان در بستر مرگ افتاده است پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به بالین او آمد دید در حال جان دادن است، او را تلقین کرد و به او فرمود: بگو لا اله الا الله، زبان او لال شد و نتوانست این ذکر را بگوید.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به بانویی که بالای سر آن جوان نشست بود، فرمود: «آیا این جوان مادر دارد؟

بانو عرض کرد: من مادرش هستم .

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آیا تو از این پسر خشمناک و ناراضی هستی؟

بانو گفت: «آری و اکنون شش سال است که با او سخن نگفته ام.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شفاعت کرد و به آن بانو فرمود: «از پسرت راضی شو»، آن بانو گفت: «رَضِيَ اللهُ عَنْهُ بِرِضَاكَ يَا رَسُولَ اللهِ؛ خداوند به خاطر رضایت تو ای رسول خدا، از او راضی شود .

وقتی که بانو این سخن را که از رضایت خودش، حکایت می کرد گفت، زبان آن جوان باز شد، آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به او فرمود: اکنون چه می بینی؟

جوان گفت: مرد سیاه چهره و زشت قیافه ای را که لباس چرکین در تن دارد و بوی متعفن و بسیار بد می دهد نزد آمده و گلو و راه نفس مرا گرفته است.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: بگو:

يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ اقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ وَاعْفُ عَنِّي الْكَثِيرِ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَفُوُّ
الرَّحِيمُ؛ ای کسی که اطاعت کم را می پذیری، و از گناه زیاد می گذری، اطاعت کم مرا بپذیر، و از گناه بسیار من بگذر، چرا که تو آمرزنده مهربان هستی.

جوان، این کلمات را گفت، آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به او فرمود: چه می بینی؟ او گفت: مردی سفید روی با لباس تمیز و خوشبو نزد من آمده است، آن سیاه چهره زشت روی، پشت کرده و می خواهد از نزد من برود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: این کلمات را تکرار کن.
او آن کلمات را تکرار کرد.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای جوان، اکنون چه می بینی؟

جوان گفت: آن شخص سیاه زشت چهره رفت و دیگر او را نمی بینم، اکنون این شخص سفید و نورانی در نزد من است، آن گاه در همین حال آن جوان در لحظات آخر گفت: آن دو مرد سیاه رفتند، اکنون دو شخص سفید روی آمده اند تا جانم را بگیرند»، این را گفت و از دنیا رفت.

(منازل الآخرة ياداستانهايي از سفر آخرت ، ص ۷؛ من لا يحضره الفقيه ، چاپ جديد، ج ۱ ص ۱۳۲؛ احكام الاءموات ، حديث(۳۴۷)

عواملی که باعث سلب توفیق می شود:

۱- فراموشی خدا- فراموشی معنویت - رویگردانی از خدا و خود فراموشی (نسو الله فانساهم أنفسهم)(حشر ۱۹)

۲- تردید داشتن و دوری از کسب حقایق دین (توبه ۴۵)

إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَازْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ-

۳- معصیت و نافرمانی ، خروج از زی بندگی الهی - برانگیختن خشم الهی

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا- (احزاب ۳۶)

خشمگینی پروردگار نسبت به دنیا دوستی - که دین را دام دنیا قرار می دهد . امام صادق(ع) از قول رسول خدا(ص) فرمود: خدای عزوجل فرماید: "وای بر کسانی که دین را دام بدست آوردن دنیا می کنند . وای بر کسانی که مردمی را که به عدالت دستور دهند بکشند. وای بر کسانی که مؤمن در میان آنها با خوف و تقیه بسر برد، اینها به من مغرور می شوند یا بر من گستاخی می کنند به حق خودم سوگند که فتنه و بلائی برای آنها پیش آورم که خردمندشان سرگردان شود.(اصول کافی-ج۳ترجمه فارسی)

۴- کفر و گناه (والله لا يهدى القوم الكافرين) (بقره ۲۶۴)

۵- ظلم و شقاوت- خروج از عدالت- " والله لا يهدى القوم الظالمين (بقره ۲۵۸)

۶- اعمال و کردار ناشایست " قالوا ربنا غلبت علينا شقوتنا و كنا قوما ضالين "(مومنون/۱۰۶)

زمانیکه در وجود انسان ضعف روحی حاکم شود، ضعفی ناشی از عقاید باطل و یا غلبه نوعی کردار ناشایست ، زندگی را به سمت بیهودگی و سستی سوق می دهد که اثرات ناشی از این عملکرد و تفکر ناصحیح ، ناامیدی است که سایه شوم بدبختی است.

انسان قوی و با موجی از افکار سازنده و روحیه ای معنوی ، دعایش در نزد پروردگارش مستجاب است و پروردگار به ندای قلبی و زبانی و عملی او برکت می دهد ، برکتی که هم برای خودش سازندگی دارد و هم برای دیگران. برکتی که هم در دنیا برای او عزت آور است و هم در آخرت برکتی روز افزون که دین و دنیا را در کنار هم به شایستگی در محور عملی بازتاب می دهد.

در پایان این دعا از خداوند متعال تقاضا می شود که ما را از لغزشهایی که موجب خسران و زیان و نقص در اعمال و کردار است محافظت نماید. لغزشهایی که بر قلب و زبان و چشم و پا و دست هر لحظه و هر آن جاری است .

از خداوند تعالی تقاضا می شود که زبان ما را محل امن و آسایش خود و دیگران قرار دهد که چه بسیار حوادث نا گوار دنیایی در امور سیاسی و اخلاقی و اجتماعی حاصل از لغزشهای فتنه انگیز زبان است که تاریخ صدمات خود را از این عضو کوچک و پر آفت بیان داشته است. از خداوند تعالی

تقاضا می شود که آنچه موجب ثواب است نصیب ما گرداند و از آنچه موجب عقاب است دور گرداند.

والسلام علی من اتبع الهدی

منابع:

- ۱- تفسیرقرآن کریم- المیزان- علامه طباطبائی
- ۲- میزان الحکمة - محمدی ری شهری
- ۳- اصول کافی- تألیف ثقة الاسلام کلینی
- ۴- کشکول شیخ بهائی- مترجم مهدی صباغی
- ۵- فرهنگ لغات جامع نوین-ترجمه المنجد
- ۶- فرهنگ قرآن قاموس-سید علی قریشی